

تأملی بر جنبه‌های کاربردی دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت‌های زیست‌محیطی

حمید بهرامی احمدی^{۱*}، اعظم علم‌خانی^{۲**}

۱. استاد حقوق خصوصی و رئیس پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۱۹

دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۸

چکیده

داشتن محیط زیست سالم یکی از حقوق بنیادین افراد است و همانند سایر حقوق، جبران ضررهای واردآمده به آن ضروری است. در صورت فراهم بودن تمام شرایط و ارکان مسئولیت مدنی، زیان‌دیده حق دارد جبران خسارت وارده را بخواهد. آلوده‌کننده نیز ملزم می‌شود تا ضرر به‌بارآمده را جبران کند. بدین ترتیب، تعهدی قانونی بین زیان‌دیده و آلوده‌کننده به‌وجود می‌آید. در این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای به تحلیل پرمباحثه‌ترین مسائلی که به‌منظور جبران خسارت‌های زیست‌محیطی با آن مواجهیم، می‌پردازیم. عمده‌ترین پرسش‌هایی که در این نوشتار به دنبال پاسخگویی به آنها هستیم، این است که چه عواملی در تعیین صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده‌های زیست‌محیطی علیه دولت نقش مؤثر دارند؟ همچنین از آنجا که شیوه‌های جبران خسارت در مسائل زیست‌محیطی با توجه به نوع تخریب متفاوت است، بهترین تصمیمی که دادگاه رسیدگی‌کننده برای جبران خسارت‌های زیست‌محیطی می‌تواند اتخاذ کند کدام است؟

کلیدواژه‌ها: خسارت‌های زیست‌محیطی، مسئولیت مدنی، صلاحیت دادگاه، جبران خسارت، تصمیمات دادگاه‌ها.

* E-mail: Bahramy.Hamid@Gmail.com

E-mail: Azam_Alamkhani@yahoo.com

** نویسنده مسئول

مقدمه

با وجود اهمیت محیط زیست سالم برای بشر، تنها چند سالی است که توجه حقوقدانان به آن جلب شده است. از این رو قانونگذاری‌های چندانی در این زمینه صورت نگرفته است؛ به‌ویژه در زمینه جبران خسارت قوانین موجود نیز کافی نیستند؛ علاوه بر آن، ماهیت خسارت‌های زیست‌محیطی نیز به‌گونه‌ای است که در برخی موارد نمی‌توان به درستی تشخیص داد که عامل ایجاد خسارت چه کسی بوده است و اگر چند عامل موجب ایجاد خسارت در محیط زیست شده باشند، حدود مسئولیت هریک چه اندازه است؛ همچنین راهکارهای جبران خسارت، به‌طور معمول نمی‌توانند محیط زیست را به حالت قبل از تخریب بازگردانند؛ برای مثال چگونه می‌توان ادعا کرد که جریمه نقدی، تأثیرات مضر دود کارخانه‌ای بر لایه ازن را جبران کرده است؟ علاوه بر این مشکلات، گاهی قضات نیز در پرونده‌های زیست‌محیطی آزادی عمل کافی ندارند. از این نظر که در برخی کشورها، دعاوی زیست‌محیطی از سوی اشخاص بدین لحاظ قابلیت طرح دارند که به جان یا مال آنها لطمه وارد شده باشد و طرح دعوا برای حمایت از محیط زیست و حفظ حقوق نسل‌های آینده جدا از خسارت‌های جانی یا مالی با مشکلات بسیاری همراه است. در حیطه بین‌المللی نیز اغلب عهدنامه‌های مربوط به حمایت از محیط زیست که قواعد عرفی ناظر بر مسئولیت و غرامت ناشی از تخریب محیط زیست را تدوین می‌کند، بیانگر آن است که وظیفه عدم تخریب محیط زیست تا حدی که بر حقوق بین‌المللی بشر مانند حق حیات، سلامت و امنیت تأثیر می‌گذارد، مورد پذیرش عامه واقع شده است و حقوق بین‌الملل ابزار کافی برای جبران اعمال زیان‌آور برای محیط زیست را ندارد و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز هرچند برای رسیدگی به اختلافات محیط زیستی صلاحیت دارد، در عمل در چهل سال گذشته هیچ دعوایی را در این زمینه مورد حکم قرار نداده است (کنت مک کالیون، ۱۳۸۳: ۱۸۰-۱۷۸).

مسئله محیط زیست با اینکه در حیطه بین‌المللی تنها چند سالی است که اذهان عمومی را متوجه خود کرده است، در دین اسلام سابقه‌ای طولانی دارد، به‌گونه‌ای که عمران و آبادانی زمین و صرفه‌جویی در استفاده از نعمت‌های الهی از جمله منابع طبیعی از آموزه‌های مهم حکومت اسلامی است. در این زمینه امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: «باید بیش از تحصیل خراج در اندیشه آبادانی زمین باشی؛ زیرا خراج حاصل نشود مگر به آبادانی زمین؛ و هرکه خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد مگر اندکی» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). اما متأسفانه گاهی دولت‌ها نه تنها به این وظیفه مهم عمل نمی‌کنند، بلکه با اقدامات خود موجبات خسارت به محیط زیست را فراهم

می‌آورند. از این رو در این نوشتار، با توجه به مشکلات مذکور بیشتر بر جنبه‌های کاربردی حمایت از محیط زیست تأکید می‌شود تا مباحث نظری موجود در این قضیه؛ لیکن برحسب ضرورت نخست مفاهیمی که در این حوزه کاربرد دارند بررسی می‌شود.

۱. مفهوم مسئولیت مدنی دولت

مسئولیت مدنی در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود. معنای عام مسئولیت مدنی اعم از این است که ریشهٔ مسئولیت، قراردادی باشد یا قهری و معنای خاص آن منصرف از مسئولیت قراردادی است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۳). به عبارت دیگر مسئولیت غیر قراردادی به مواردی مربوط می‌شود که قانونگذار تکالیف عامی را برای همگان تعیین کند و در اثر تخلف از این تکالیف عمومی خسارتی به دیگران وارد شود و بر مبنای این مسئولیت، رابطهٔ دینی بین زیان‌دیده و مسئول به وجود آید (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۶۳). شایان ذکر است که مراد از مسئولیت مدنی در این نوشتار معنای خاص آن است.

واژهٔ دولت گاهی در معنای عام و گاهی هم در معنای خاص به کار می‌رود. دولت به معنای عام کلمه شامل همهٔ قوای عمومی و دستگاه‌های حاکمیتی است. آرای صادرشده از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، بیانگر این است که دیوان عدالت اداری به کلیهٔ شکایات مردم علیه قوای حاکمیتی رسیدگی می‌کند، یعنی دولت را در معنای عام آن به کار می‌برد (استوار سنگری، ۱۳۹۰: ۵)، ولی دولت به معنای خاص (که در این نوشتار منظور است) تنها شامل قوهٔ مجریه است. به‌طور کلی مسئولیت مدنی دولت، «الزام دولت است نسبت به شخص زیان‌دیده در پرداخت غرامت زیان وارده به او که ناشی از عمل غیرقانونی منتسب به دولت یا عمل غیرقانونی او (دولت) بوده و یا تکلیف دولت است به پرداخت غرامت زیان‌دیده که به موجب قانون مقرر گردیده است» (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۳). در نظر گرفتن چنین مسئولیتی برای دولت نتیجهٔ منطقی حاکمیت قانون است و عدالت حکم می‌کند که هیچ قانون‌شکنی و زیانی چه مادی و چه معنوی بدون جبران باقی نماند (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۶۲).

۲. مفهوم خسارت در حوزهٔ محیط زیست

در یک تعریف کلی در حقوق بین‌الملل خسارت زیست‌محیطی، زیان یا صدمه‌ای است که در نتیجهٔ فعل یا ترک فعل تابعان حقوق بین‌الملل یا در اثر بروز حوادث طبیعی، به افراد، اموال یا محیط زیست وارد می‌شود (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۴).

در دعاوی تریل اسمیلتر منظور از خسارت، آسیبی است همراه با «اثر شدید» و عبارات دیگر استعمال‌شده از مفهوم خسارت شامل آسیب‌های «قابل ارزیابی»، «محسوس»، «قابل

اندازه‌گیری»، «شایان توجه» و... است و آنچه بیشتر از همه استعمال شده، عبارت «آسیب شایان توجه» به محیط زیست است (لوتار گوندلینگ، ۱۳۸۱: ۳۴۴).

براساس ماده (۱)، ۲ کمیسیون اروپایی مسئولیت زیست‌محیطی (ELD)، تعریف خسارت‌های زیست‌محیطی دربردارنده سه مقوله خسارت به گونه‌های زیستی حفاظت‌شده و زیستگاه‌های طبیعی و خسارت به آب و خاک است.

(G.M. van den Broek, Available at: <http://www.utrechtlawreview.org/index.php/ulr>, The date of usage: 15/2/2013)

صرف نظر از موارد مذکور، در سال ۱۹۹۸ میلادی یک گروه کاری در زمینه موضوع مسئولیت و جبران خسارت زیست‌محیطی به وسیله برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ)^(۱) تشکیل شد. وظیفه این گروه بازبینی گسترده بر اسناد جهانی و منطقه‌ای و قانونگذاری‌های داخلی و به‌طور کلی رویه دولت‌ها به منظور ارائه تعریفی جامع از اصطلاح «خسارت زیست‌محیطی» عنوان شد. براساس پژوهش‌های این گروه «خسارت زیست‌محیطی آنچنان تغییری است که تأثیر مضر قابل سنجش و قابل ارزیابی بر کیفیت محیط زیست یا بر عناصر آن می‌گذارد، خواه این عناصر دارای ارزش تجاری باشند و خواه نباشند. از سوی دیگر، خسارت زیست‌محیطی تغییراتی را نیز شامل می‌شود که بر توانایی آن محیط در جهت تداوم کیفیت قابل قبول و حمایت از حیات و تعادل زیست‌محیطی پایدار تأثیر سوء می‌گذارد» (موسوی و قیاسیان، ۱۳۹۰: ۳۳۲).

۳. راهکارهای ارزیابی خسارت‌های زیست‌محیطی

برای ارزیابی و تعیین میزان خسارت وارده می‌توان مقداری از یک منبع آسیب‌دیده را در نظر گرفت و آن را با همان مقدار از محیط بدون آسیب‌دیدگی مقایسه کرد. برای مثال بررسی تعداد ماهی‌ها یا بوته‌ها در مقداری از محیط آسیب‌دیده و تعمیم آن به سایر قسمت‌های خسارت‌دیده. اما زمانی که قسمت‌های آسیب‌دیده با یکدیگر قابل مقایسه نباشند، برای ارزیابی شدت خسارت، می‌توان هزینه‌های لازم برای بازسازی و اعاده وضع به حالت پیشین را، معیاری در راستای ارزیابی میزان خسارت شناخت (Chapman, 1998: 3, Caroline Blatch, 2004: 8).

استفاده از معیار دوم نیز با مشکلاتی همراه است، زیرا بازسازی محیط زیست آسیب‌دیده در بسیاری مواقع امکان‌پذیر نیست یا با هزینه‌های نامحدود و وسیعی همراه است. علاوه بر این، حتی اگر محیط آسیب‌دیده قابل بازسازی باشد، این بازسازی ممکن است آنی و بلافاصله نباشد. در نتیجه تعیین میزان خسارت با مشکل روبه‌رو می‌شود، چراکه عواملی مانند تورم نیز در این ارزیابی دخیل می‌شوند (Elliott, 2001: 18).

خسارت‌ها را می‌توان با تمسک به پرونده‌های حقوقی مطرح شده در دیگر زمینه‌ها تخمین زد؛ مانند کاهش قیمت املاک به دلیل آلودگی، یا کم شدن مشاغل به سبب آلودگی صوتی و دود (الکساندر کیس، ۱۳۸۴: ۱۰۳).

برای ارزیابی خسارت‌های زیست‌محیطی در آن قسم از عناصر محیط زیست که نتوان هیچ‌کدام از روش‌های مذکور را به کار بست، می‌توان سنجد که مردم تا چه اندازه حاضرند برای در اختیار داشتن مواهب طبیعی مانند گردشگاه‌ها و مناظر طبیعی هزینه بپردازند و میزان خسارت با توجه به تمایل مردم تعیین می‌شود (Grasso, 2013: 8). ترنر، (۱۳۷۴: ۹۴) به نظر بسیاری از کارشناسان، این شیوه بسیار هزینه‌بر و زمان‌بر است و به دانش و تخصص زیادی در اجرا نیاز دارد. همچنین نتایج حاصل از این شیوه نسبی، محتمل و مشروط است (موسوی و قیاسیان، ۱۳۹۰: ۳۳۶).

۴. طرح دعوا علیه دولت به دلیل ایجاد خسارت در محیط زیست در حقوق داخلی

۴-۱. خواهان در دعاوی محیط زیست

قبل از تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، در حقوق ما اصل بر این بود که کسی حق اقامه دعوا به نام دیگری را ندارد و هیچ قانونی به‌طور صریح حق اقامه دعوی سازمان‌های غیردولتی حامی محیط زیست را نیز به مراجع قضایی شناسایی نمی‌کرد و چنین حقی را حسب موضوع دعوا به متولیان دولتی محدود می‌ساخت. در آن زمان تنها با استناد به برخی مقررات پراکنده و تفسیری موسع از آنها می‌توانستیم حق دسترسی این قبیل سازمان‌ها به مرجع قضایی را استنباط کنیم؛ برای مثال به موجب اصل (۳۴) قانون اساسی «دادخواهی حق مسلم هر فرد است...». وجود واژگانی چون «هر فرد»، «هرکس» و... در این اصل، این امر را به ذهن متبادر می‌سازد که توجیه حقوقی برای حضور سازمان‌های غیردولتی در دادرسی‌ها وجود دارد. در اصل (۴۵) قانون اساسی نیز ضمن تأکید بر «منافع عمومی» و «مصالح عامه»، از برخی عناصر زیست‌محیطی با عنوان «انفال و ثروت‌های عمومی» یاد شده که در اختیار حکومت اسلامی است تا براساس مصالح عامه مصرف کند. همچنین به موجب اصل (۵۰) همان قانون «در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌شود...» با توجه به اینکه اقامه دعوا به‌عنوان حمایت از محیط زیست می‌تواند یک «وظیفه عمومی» تلقی شود، به‌نظر می‌رسد نمی‌توان افراد و سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی را از حق اقامه دعوا برای صیانت

از محیط زیست محروم کرد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۷-۲۲۰). افزون‌بر قانون اساسی به موجب ماده (۱۶) آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۹ «سازمان [سازمان‌های غیردولتی] حق دارد در موضوع فعالیت‌های خود و برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی اقامه دعوی نماید». یکی از بارزترین نمونه‌های عملی در زمینه طرح دعوای سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی مربوط به جنگل لویزان است. طی این دعوا سازمان‌های مذکور در سال ۱۳۸۴ علیه معاونت فنی شهرداری تهران به دلیل تخریب این جنگل و قطع بیش از ۸۰۰۰ اصله درخت جنگلی آن طرح دعوا کردند. هرچند طرح این دعوا عملاً نتیجه‌ای نداشت؛ اما اینکه مرجع رسیدگی‌کننده، دعوا را استماع کرد، تحولی چشمگیر در حقوق ایران به‌شمار می‌آید (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۲۱-۲۲۰)، اما از آنجا که از نظر شکلی، آیین‌نامه‌ها در زمره مقررات محسوب می‌شوند نه قوانین، ضمانت اجرای قانونی را ندارند و به موجب اصل (۱۷۰) قانون اساسی «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند». از این‌رو پیش‌بینی حق دادخواهی برای سازمان‌های غیردولتی در آیین‌نامه مذکور به‌تنهایی کافی نبود (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۰۰). از این‌رو قانونگذار در راستای تأمین هرچه بیشتر حقوق ملت از جمله حق داشتن محیط زیست سالم که در اصل (۵۰) قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است، در سال ۱۳۹۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری را تصویب کرد که به موجب ماده (۶۶) آن «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند».

در نظام حقوقی فرانسه نیز به موجب قانون حمایت از محیط زیست به انجمن‌های حامی محیط زیست سمت حقوقی اعطا شده است تا بتوانند در شرایط مندرج در این قوانین در نزد مرجع اداری و قضایی طرح دعوا کنند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

آرای صادره از دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا در نخستین دعوای زیست‌محیطی، نشان‌دهنده تسامح دادگاه‌ها در تفسیر نظریه سمت است. دیوان عالی آمریکا در ۱۸ ژوئن ۱۹۷۳ علیه ایالات متحده رأی داد که پنج دانشجوی دانشگاه جورج واشینگتن سمت دارند تا به موجب اصل (۳) قانون اساسی افزایش قیمت حمل‌ونقل توسط کمیسیون بازرگانی بین‌ایالتی^(۲)

را تحت پیگرد قرار دهند. دانشجویان ادعا کردند که تصمیم کمیسیون بازرگانی بین‌ایالتی در افزایش نرخ حمل‌ونقل ریلی بر انتفاع ایشان از پارک‌های شهر اثر سوئی می‌گذارد. استدلال دانشجویان چنین بود که افزایش قیمت‌ها، هزینه حمل‌ونقل کالاهای بازیافتی را افزایش می‌دهد و به کاهش عملیات بازیافت منجر می‌شود. همین مسئله موجب جمع شدن بیشتر زباله در پارک‌ها می‌شود و بدین ترتیب لذت شخصی دانشجویان از پارک‌ها را کاهش می‌دهد. دادگاه در این زمینه نظر داد: «میان عللی که در نهایت منجر به بروز آسیب به دانشجویان می‌شود رابطه سببیت وجود دارد». به عبارت بهتر، افزایش نرخ حمل‌ونقل موجب بازیافت کمتر قوطی‌ها و بطری‌ها و افزایش حجم زباله در «واشینگتن راک کریک پارک»^(۳) می‌شود و از این طریق به منافع معنوی خواهان‌ها در استفاده از پارک، آسیب وارد می‌کند. دادگاه SCRAP نخستین محکمه‌ای بود که به‌طور کامل قانون سیاست ملی زیست‌محیطی (NEPA)^(۴) را مورد توجه قرار می‌داد. در این قضیه دادگاه با انتقاد از رویکرد مضیق به نظریه سمت، چنین استدلال کرد که «فائل نشدن سمت برای اشخاصی که واقعاً آسیب دیده‌اند، تنها به‌خاطر آنکه دیگران هم آسیب دیده‌اند، بدان معناست که هرچه تعداد آسیب‌دیدگان بیشتر باشد، اعمال آسیب‌زننده را کمتر می‌توان زیر سؤال برد» (جم، ۱۳۸۷: ۸۸).

در دعاوی زیست‌محیطی، سختگیری در احراز سمت خواهان موجب می‌شود مرز میان معیارهای لازم برای احراز سمت با ماهیت ادعای خواهان غیرقابل تشخیص شود. در نتیجه خواهان به‌ناچار پیش از دادرسی باید ثابت کند که برنده دعواست تا بتواند سمت خود را برای اقامه همان دعوا در دادگاه ثابت کند (جم، ۱۳۸۷: ۹۴). خوشبختانه در ایران با تصویب ماده (۶۶) قانون جدید آیین دادرسی کیفری، طرح دعاوی زیست‌محیطی توسط سازمان‌های غیردولتی حمایت از محیط زیست امکان‌پذیر شده است و با رفع مشکلات ناشی از احراز سمت در دادگاه‌ها انتظار می‌رود که طرح این قبیل دعاوی با سهولت بیشتری روبه‌رو شود. همچنین از آنجا که بی‌انگیزگی قربانیان خسارت‌های زیست‌محیطی در طرح این دعاوی در بسیاری از موارد اقدامات آلوده‌کنندگان محیط زیست را بدون پاسخ می‌گذارد، اندیشیدن چنین تدبیری کمک شایان توجهی در راستای حفظ و بازسازی محیط زیست محسوب می‌شود.

۴-۲. دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی زیست‌محیطی علیه دولت در حقوق ایران

براساس ماده (۱۰) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ اشخاص حقوق خصوصی می‌توانند علیه تصمیمات و اقدامات دولتی که به

آلودگی‌های محیط زیست منجر می‌شود، به‌طور مستقل در دیوان عدالت اداری طرح دعوا کنند. رسیدگی دیوان عدالت اداری منحصر به تشخیص استحقاق یا عدم استحقاق زیان‌دیدگان بوده و به موجب تبصره (۱) همان ماده پس از تأیید استحقاق از طرف دیوان، زیان‌دیدگان به‌منظور مطالبه حقوق خود در محاکم عمومی طرح دعوا می‌کنند.

اگرچه امکان طرح دعوا علیه اقدامات دولتی که به آلودگی محیط زیست منجر می‌شود از سوی اشخاص حقوق خصوصی به‌طور مستقل وجود دارد، به‌طور معمول این اشخاص دعاوی خود را از طریق نهادهای عمومی صالح (مانند سازمان محیط زیست) دنبال می‌کنند. مطابق رأی وحدت رویه شماره ۳۷، ۳۸ و ۳۹ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، جایگاه شاکی در دیوان عدالت اداری محصور و محدود به اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی شده و شکایات و اعتراضات واحدهای دولتی در شعب دیوان عدالت اداری قابل طرح نیست. به موجب این رأی «نظر به اینکه در اصل (۱۷۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از تأسیس دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایات تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدهای دولتی تصریح گردیده و با توجه به معنی لغوی و عرفی کلمه مردم، واحدهای دولتی از شمول مردم خارج و به اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی اطلاق می‌شود و مستفاد از بند یک ماده (۱۱) دیوان اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی می‌باشند علی‌هذا، شکایات و اعتراضات واحدهای دولتی در هیچ مورد قابل طرح و رسیدگی در شعب دیوان عدالت اداری نمی‌باشد» (دلآوری، ۱۳۹۰: ۵۴). بنابراین در جایی که اختلاف بین نهادهای دولتی ناشی از نقض تعهدات قراردادی یا قانونی باشد، دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی دارند. در عمل هم دستگاه‌های اداری تمایل دارند این قبیل اختلافات خود را در دادگستری مطرح کنند (کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۱۵). اما زمانی که اختلاف پیش آمده ناشی از قرارداد یا ضمان قهری نباشد، مثلاً اگر بین دو سازمان زیرمجموعه محیط زیست اختلاف ایجاد شود - و براساس بند «ه» ماده (۱) آیین‌نامه «چگونگی رفع اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی از طریق سازوکارهای قوه مجریه» مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۷ اختلاف نظر، در برداشت از قوانین و مقررات، تداخل وظایف قانونی یا اموال و حقوق مالی باشد، در صورتی که رؤسای دستگاه‌های زیرمجموعه نتوانند اختلاف را در چارچوب اختیارات قانونی موجود رفع کنند، اختلاف به رئیس سازمان محیط زیست ارجاع خواهد شد و این مقام در چارچوب اختیارات قانونی موجود رفع اختلاف خواهد کرد. اگر رفع اختلاف به مصوبه دولت نیاز داشته باشد، پیشنهاد لازم مستقیماً توسط مقام مذکور به هیأت وزیران تقدیم می‌شود. در حال حاضر، دادگاه‌ها در مواجهه با چنین دعاوی با مانع داخلی مواجهند، چر که رئیس قوه قضائیه با صدور بخشنامه، دادگاه‌ها را از رسیدگی به دعاوی بین

دستگاه‌های دولتی برحذر داشته و تأکید کرده است که با توجه به مصوبه دولت، مسئولان ارجاع پرونده باید دستگاه‌های دولتی را برای رفع اختلافات خود به راهکارهای داخلی قوه مجریه هدایت کنند و از ارجاع پرونده به دادگاه‌ها خودداری کنند. (کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۲۳-۲۲۱).

شایان ذکر است که اگر تقاضای یک واحد دولتی ابطال تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مغایر با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه واحدهای دولتی دیگر باشد، به موجب اصل (۱۷۰) قانون اساسی که بیان می‌دارد: «... هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند». اطلاق واژه «هر کس» بر اشخاص حقوق خصوصی و عمومی و ماده (۱۲) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵، دیوان عدالت اداری صالح به رسیدگی است. مصداق بارز این قبیل دعاوی در حوزه محیط زیست مربوط به دعاوی سازمان انرژی اتمی ایران علیه گمرک ایران^(۵) است که طی آن معاونت رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی طی نامه‌ای اعلام داشتند که به استناد ماده (۵) قانون سازمان انرژی اتمی ایران مصوب ۱۳۵۳ و ماده (۱۳) قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸، نظارت در منابع مولد اشعه، کار با اشعه، احداث، تأسیس، ... هرگونه فعالیت در زمینه منابع مولد اشعه شامل واردات و صادرات، ترخیص، توزیع، تهیه، تولید، ... حفاظت کارکنان، مردم و نسل‌های آینده به‌طور کلی و محیط در برابر آثار زیان‌آور اشعه در انحصار سازمان مزبور است. لیکن رئیس گمرک ایران با صدور بخشنامه‌ای^(۶) بر خلاف نص صریح قوانین مذکور مانع اجرای نظارت قانونی این سازمان در کنترل آلودگی هسته‌ای مواد غذایی شده است. تقاضای ایشان از دیوان عدالت اداری اجرای بند «پ» ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰ و لغو بخشنامه مذکور بود که پیرو آن هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز بخشنامه موضوع شکایت را خلاف قانون تشخیص داد و آن را ابطال کرد.^(۷)

به موجب مواد (۹)، (۱۱) و (۱۲) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و بند «ج» ماده (۱۲) و بند «الف» ماده (۱۳) قانون شکار و صید و اصلاحیه آن، سازمان محیط زیست دارای اختیارات لازم برای جلوگیری از آلودگی‌هاست. از آنجا که این سازمان، زیر نظر قوه مجریه است، دعاوی که از سوی آن طرح می‌شود، دعاوی دولت محسوب می‌گردد و اگر طرف دعوا نیز واحد دولتی باشد، رسیدگی به پرونده در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است. یکی از پرونده‌هایی که سازمان علیه دولت طرح کرده است، مربوط به آلوده‌سازی آب رودخانه زرینه‌رود به مواد شیمیایی حاصل از تخلیه فاضلاب کارخانه قند میاندوآب - وابسته به سازمان اتکا - بود که بر اثر آلوده شدن آب، بیش از پنج میلیون ماهی تلف شد. در پی این حادثه اداره کل محیط زیست استان آذربایجان غربی علیه مدیریت کارخانه اعلام جرم کرده و به استناد بند «ج» ماده (۱۲)

قانون صید و شکار، تعقیب مسئول آلودگی را تقاضا کرد؛ در نهایت دادگاه حقوقی یک میاندوآب پس از رسیدگی، آن قسمت از دادخواست را که مربوط به تقاضای محکومیت رئیس کارخانه قند است، با استناد به اینکه این فرد مسئول مستقیم آلودگی نبوده و اینکه این آلودگی ناشی از بی احتیاطی و تقصیر فرد مذکور نیست، بلکه متوجه کارخانه است، رد می کند؛ اما نسبت به اصل ضرر و زیان، حکم به نفع سازمان محیط زیست صادر می کند. این حکم در شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور نیز تأیید می شود^(۸) (تقی زاده انصاری، ۱۳۸۷: ۱۳۲-۱۲۹).

۵. تصمیم دادگاهها در پروندههای محیط زیست

هرچند تصمیمات دادگاهها تا حد زیادی مختص هر قضیه است و به طبیعت تخلف و تقاضاهای به عمل آمده در آن قضیه باز می گردند، اتخاذ تصمیمات ذیل از سوی دادگاهها ممکن است:

۵-۱. دستور موقت

از آنجا که جبران خسارت‌های محیط زیست اغلب اوقات نمی تواند وضع را به حالت سابق برگرداند، براساس قاعده «وجوب دفع الضرر المحتمل» که از قواعد فقه اسلامی است (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳۱)، باید از اقداماتی که احتمال می رود به محیط زیست آسیب برساند، جلوگیری به عمل آید.

دستور موقت یکی از راهکارهای قدیمی است که می تواند از آلودگی یا دیگر آسیب‌های زیست محیطی بکاهد. این راهکار به طور معمول پس از ارزیابی جبران ناپذیر بودن زیان و تهدید سلامت عمومی، به طور خارج از نوبت صادر می شود. بنابراین در قضایای زیست محیطی که در آنها به اقدام فوری نیاز است، مناسب به نظر می رسد (دینا شیلتون، ۱۳۸۹: ۱۳۹). به موجب ماده (۳۱۷) قانون آیین دادرسی مدنی «دستور موقت دادگاه به هیچ وجه تأثیری در اصل دعوا نخواهد داشت»، یعنی حتی اگر دادگاه نسبت به امر تبعی درخواست شده دستور موقت صادر کند، می تواند در اصل دعوا خواهان را به بی حقی محکوم نماید (شمس، ۱۳۸۳: ۲۵).

در جایی که عامل ایجاد زیان دولت باشد نیز به موجب ماده (۳۴) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ می توان علیه اقدام دولت دستور موقت صادر کرد. براساس ماده (۳۷) همان قانون «شعبه دیوان موظف است... نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید».

همچنین طبق تبصره ماده (۱۱) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست:

«رئیس سازمان می تواند در مورد منابع و عواملی که خطرات فوری در بر داشته باشند بدون اخطار قبلی دستور ممانعت از ادامه کار و فعالیت آنها را بدهد».

با توجه به اهمیت تسریع در دادرسی و صدور دستور موقت در مسائل محیط زیست، قوه قضائیه در این مورد بخشنامه‌ای را صادر کرده است که نظر به اهمیت آن بیان می‌شود:

«بخشنامه به دادگستری‌های سراسر کشور^(۹)

نظر به اینکه حفظ انفال و ثروت‌های عمومی از جمله جنگل‌ها، مراتع، بیشه‌زارهای طبیعی، دریاها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و حفاظت از محیط زیست براساس اصول (۴۵) و (۵۰) قانون اساسی از جمله وظایف حکومت اسلامی است و هر نوع فعالیت اعم از اقتصادی و غیر آن که موجب تخریب جنگل‌ها و مراتع، آلودگی آب‌های داخلی و نابودی محیط زیست گردد، ممنوع می‌باشد و گزارش‌های رسیده مؤید روند رو به رشد تخریب مراتع و جنگل‌ها، قطع بی‌رویه درختان جنگلی، تصرف اراضی دولتی و همچنین آلودگی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی و توسعه شهرنشینی می‌باشد و ادامه این روند، جبران‌ناپذیری به سلامت جامعه و بقای نسل‌های آینده کشور وارد خواهد ساخت؛ مؤکداً پیرو بخشنامه شماره ۱/۷۴/۱۴۹۰۵ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۴ متذکر می‌گردد که رؤسای حوزه‌های قضایی به تناسب پرونده‌ها و شکایات ادارات منابع طبیعی، محیط زیست، بهداشت و درمان و دیگر نهادهای ذی‌ربط، یک یا چند شعبه خاص بدین منظور تعیین و شعب مذکور مکلفند برابر تبصره «۱» ماده (۶۹۰) قانون مجازات اسلامی به جرایم فوق‌الذکر خارج از نوبت رسیدگی و با تنظیم صورت‌مجلس، دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز را تا صدور حکم قطعی صادر نمایند. رؤسای حوزه‌های قضایی مسئول نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه می‌باشند.» (فهیمی، ۱۳۸۸: ۵۰۳).

۲-۵. اعاده وضع به حالت سابق

بند «۸» ماده (۲) کنوانسیون لوگانو، «تدابیر اعاده وضعیت» را به‌عنوان «هر گونه تدابیر متعارف و معقول با هدف اعاده یا بازگرداندن اجزای صدمه‌دیده یا تخریب‌شده محیط زیست یا (در صورت معقول بودن) ایجاد معادل اجزای مذکور محیط زیست» تعریف می‌کند.

(Convention on civil liability for damage resulting from activities dangerous to the environment, Lugano, 21/6/1993, Available at:

<http://conventions.coe.int/treaty/en/treaties/html/150.htm>, The date of usage: 15/2/2013)

به موجب رأی شعبه مدنی دیوان عالی کشور فرانسه، «مشخصه مسئولیت مدنی عبارت است از برقراری مجدد و اصلاح دقیق (امور) به‌نحوی که بتوان تعادل و موقعیت ازکفرفته زیان‌دیده را با جای دادن وی و با هزینه مسئول در وضعیتی که اگر فعل زیانبار رخ نداده بود قربانی در آن موقعیت یافت می‌گردید، ایجاد کرد» (قسمتی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۲).

بر این اساس که اعاده وضع به حالت سابق بهترین و کامل‌ترین طریق جبران خسارت وارده بر محیط زیست است، دادگاه‌ها با توجه به ارزش مواهب طبیعی باید تا حد ممکن از

بین اقسام روش‌های جبران خسارت از این روش استفاده کنند (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۲۱۰). در بسیاری از نظام‌های حقوقی نیز از جمله حقوق بین‌الملل، در صورتی که برطرف کردن آسیب امکان‌پذیر باشد و بتوان وضعیت را به حالت قبل از آسیب بازگرداند، اعاده وضع به حال سابق روش مرجح جبرانی به‌شمار می‌رود. در قضایای زیست‌محیطی دادگاه‌ها اغلب دستور می‌دهند که آسیب زیست‌محیطی زدوده شده یا اکوسیستم آسیب‌دیده به حالت سالم بازگردانده شود. برای مثال، دادگاه عالی کنیا زمانی که متوجه شد خواننده پسماندهایی را در اموال همسایه‌اش دفن کرده است، دستور داد تا متخلف پسماندها را پاک کند (دینا شیلتون، ۱۳۸۹: ۱۴۴). در دعوی مربوط به غرق شدن کشتی «آموکوکادیز Amococadiz» که به سرازیر شدن ۲۲۰ هزار تن نفت در ساحل بریتانیا منجر شد، در مرحله تجدید نظر دادگاه حکم به خارج کردن آلودگی از ساحل داد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۷). بنابراین اعاده وضع به حالت سابق از طریق «ترمیم»، «احیا»، «پاک‌سازی» و اقداماتی از این قبیل صورت می‌گیرد. در زمینه آلودگی هوا، برای مثال، پاک کردن ساختمان‌های آلوده به دود یا دوده یا ترمیم ساختمان‌هایی که در اثر آلودگی‌های مستقیم جوی یا کاشتن درخت جدید به جای درختان خشکیده و احیای سازه‌هایی که در اثر حوادث آلوده‌کننده آسیب دیده‌اند، از مصادیق این روش هستند. اما در برخی موارد همچون خسارات وارده بر رشد گیاهان، خسارات وارده بر سلامت اشخاص مانند بیماری‌های صعب‌العلاج تنفسی و... امکان توسل به این روش بعید است (مشهدی، ۱۳۹۰: ۶۳).

چنانچه جبران خسارت از نظر فنی و عملی ممکن نیست، راه‌حل‌های متفاوتی وجود دارد؛ از جمله جانشین کردن منابع مخروب و آلوده با منبع معادل، مانند جبران کردن تلف یک مال با مثل آن، که بهترین نحو جبران مال تلف‌شده محسوب می‌شود (فهیمی، ۱۳۹۱: ۳۴۱). اما اگر جایگزینی منبع معادل امکان نداشته باشد، با توجه به ارزش خسارات منابع طبیعی، حکم به پرداخت ضرر و زیان داده می‌شود.

۳-۵. الزام به پرداخت ضرر و زیان

وقتی چند عامل موجب تخریب محیط زیست شوند، مسئولیت هر یک را چگونه باید محاسبه کرد؟ در قوانین ایران در این مورد مطلبی وجود ندارد و فقط سخن از مسئولیت رانده‌اند؛ بدون آنکه تعیین کنند مسئولیت تخریب‌گران تضامنی است یا نسبی. اگرچه در اسناد تجاری در قانون تجارت و در مسئولیت غاصبان، مسئولیت تضامنی پذیرفته شده است، جا دارد که تصریحی برای مسئولیت تضامنی در چنین مواردی در نظر گرفته شود، زیرا تضمینات بیشتری برای جبران ضرر وارده فراهم می‌آورد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

اشکال مسئول شناختن مخربان محیط زیست این است که گاهی پرداخت خسارت، آنان را از هستی ساقط می‌کند؛ ولی بیمه اجباری این خطر را کاهش می‌دهد. به موجب ماده (۱۰) قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی نفتی، «کشتی‌های مشمول این قانون ملزم خواهند بود که در حین ورود به دریای ساحلی ایران در مقابل خسارات احتمالی ناشی از آلوده کردن دریا بیمه شده باشند. کشتی‌هایی که بیمه نشده باشند باید حامل تعهدنامه مالی جهت جبران خسارات باشند...».

در صورت مشخص نبودن مسئول خسارت، تأسیس صندوق‌های جبران خسارت زیر نظر دولت بسیار راهگشاست. برای نمونه می‌توان به صندوق تأمین جبران خسارت سوپرفرند آمریکا اشاره کرد که مربوط به پاکسازی مکان‌هایی است که در آنها زباله‌های خطرناک رها شده است و بودجه آن به وسیله دولت فدرال آمریکا تأمین می‌شود (Kempt، به نقل از: فهیمی، ۱۳۹۱: ۳۴۴).

براساس ماده (۴۶) قانون توزیع عادلانه آب:

«آلوده ساختن آب ممنوع است، مسئولیت پیشگیری و ممانعت و جلوگیری از آلودگی منابع آب به سازمان حفاظت محیط زیست محول می‌شود...»*

در این مقرر «مسئولیت» در درجه نخست مترادف با «صلاحیت» است، اما در کنار منطق اولیه قانون که همانا حمایت از حقوق شهروندان است، لحن این مقرر نیز به گونه‌ای است که زمینه استناد به خود را حداقل در مواردی که نتوان عامل آلودگی را شناسایی کرد، فراهم کرده است (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۰۲).

در برنامه اول توسعه، مهم‌ترین توجه به منظور حفاظت از محیط زیست، در تبصره «۱۳» قانون برنامه کشور گنجانده شد. به موجب این تبصره «... کارخانجات و کارگاه‌ها موظفند یک هزار فروش تولیدات خود را با تشخیص و نظارت سازمان حفاظت محیط زیست، صرف کنترل آلودگی‌ها و جبران زیان ناشی از آلودگی‌ها و ایجاد فضای سبز نمایند...» (دادگر، ۱۳۷۹: ۶).

یکی از اصول زیست‌محیطی مهم در راستای پرداخت ضرر و زیان ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی، اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز است. بنا بر این اصل، آلوده‌کننده مسئول است و نه مالک یا صاحب تأسیس آلاینده. این اصل اولین بار در سال ۱۹۷۲ در سطح بین‌المللی مطرح شد؛ زمانی که دولت‌های عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) توافق کردند هزینه اقدامات لازم برای جلوگیری و کنترل آلودگی را نپردازند و این هزینه‌ها را کسانی که باعث آلودگی شده‌اند بپردازند.

(Kralji, Available at: lib.ugent.be/fulltxt/.../RUG01-001787295_2012_0001_AC.pdf, The date of usage: 17/5/2013).

اگرچه این اصل یکی از اصول مهم زیست‌محیطی است، این امر مانع نمی‌شود که شهروندان حق طرح دعوا علیه دولت را به دلیل عدم وضع قوانین مناسب به منظور حمایت از محیط زیست و نیز عدم جلوگیری از اقدامات آلوده‌ساز، نداشته باشند. در دادرسی بی‌سابقه‌ای^(۱۰) دادگاه اروپایی حقوق بشر تقصیر دولت روسیه را در عدم جلوگیری از آلودگی یا اصلاح آلودگی ناشی از کارخانه فولاد که تخطی از مقررات میثاق حقوق بشر اروپا محسوب می‌شد، اعلام کرد. این پرونده توسط یک زن روسی مطرح شد که حق خود را مبنی بر جابه‌جایی خانه به دلیل آلودگی ناشی از فعالیت کارخانه خصوصی فولاد که در نزدیکی منزل وی بود، مطالبه کرد. دادگاه دریافت که دولت روسیه حقی را که ماده ۸ میثاق اروپایی حقوق بشر (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی و خانه افراد) به او داده نقض کرده است. چراکه دولت روسیه نتوانسته است به‌طور مناسب از آلودگی ناشی از کارخانه (شامل گردوغبار، دی اکسید کربن و...) جلوگیری کند یا وضع موجود را اصلاح کند و در اثر آلودگی ناشی از این کارخانه کیفیت زندگی این زن به‌طور چشمگیری تحت تأثیر قرار گرفته و آسیب‌پذیری او در مقابل بیماری بیشتر شده است. بنابراین به مدعی مبلغ ۶۰۰۰ یورو خسارت پرداخت شد.

(Available at : <http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx?i=001-69315>, The date of usage: 07/02/2013)

۴-۵. در نظر گرفتن مجازات

هدف از مجازات ابراز مخالفت اجتماع با رفتار ممنوعه و ارسال پیامی بازدارنده برای بازداشتن رفتارهای مشابه است.

برخی دادگاه‌ها مجازات‌های مالی را به دلیل تخلف از حقوق محیط زیست علیه حکومت‌ها صادر کرده‌اند. در قضیه محیط زیست کانادا علیه دولت سرزمین‌های شمال غربی کانادا^(۱۱) یک قاضی در دادگاه سرزمینی سرزمین‌های شمال غربی کانادا حکومت سرزمینی شمال غربی را به دلیل تخلیه غیرقانونی فاضلاب تصفیه‌نشده به مردابی در جزیره بافین به پرداخت ۴۹۰۰۰ دلار کانادا جریمه و ۴۰۰۰۰ دلار دیگر محکوم کرد. طرف‌های دعوا استدلال کردند که حکومت باید از پرداخت مجازات مالی معاف شود، زیرا پرداخت جریمه‌ها، به‌غیر از انتقال پول مالیات‌دهندگان از حساب بخشی از حکومت به بخش دیگر کاری انجام نخواهد داد. اما به نظر دادگاه، رفتار غیرقانونی حکومت نباید دست کم شمرده شود، زیرا رفتاری مغایر با زمامداری و تخلف از ید امانی است و موجب مسئولیت حکومت برای حفاظت از گونه‌ها و محیط زیست می‌شود (دینا شیلتون، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

نتیجه‌گیری

با وجود توجه همگانی به مسائل محیط زیست و جبران خسارت‌های وارد بر آن، هنوز هم مشکلاتی بر سر راه جبران کامل زیان‌های وارده به محیط زیست وجود دارد. یکی از این مشکلات ارزیابی و تعیین مقدار خسارت وارده است که بسته به نوع آسیب، راهکارهای مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است. علاوه بر آن طرح دعاوی جمعی برای آسیب‌های زیست‌محیطی در برخی کشورها پذیرفته نیست و طرفداران محیط زیست بسیاری مواقع در طرح دعاوی زیست‌محیطی با مشکل اثبات سمت مواجه می‌شوند که این مسئله انگیزه آنها را برای مطالبه حقوق بنیادین خود تا حد چشمگیری کاهش می‌دهد. راهکارهای جبران خسارت‌های زیست‌محیطی نیز برای انواع خسارت یکسان نیست و گذشته از آن گاهی هیچ‌کدام از راهکارها نمی‌تواند خسارت زیست‌محیطی را کاملاً جبران کند، ولی در مجموع تا حد امکان، بازسازی محیط زیست و اعاده وضع به حالت قبل از ورود خسارت می‌تواند بهترین تصمیم اخذشده از سوی مقامات قضایی باشد.

در مورد تشریفات دادرسی در دعاوی زیست‌محیطی علیه اقدامات دولت شایان ذکر است که هرگاه اشخاص حقوق خصوصی از جمله سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی به‌طور مستقل به تصمیمات و اقدامات دولت که به آلودگی محیط زیست منجر شده است معترض باشند، دیوان عدالت اداری صالح برای رسیدگی است. البته تعیین مقدار خسارت بر عهده دادگاه‌های عمومی است. ولی هرگاه اشخاص حقوق خصوصی اعتراض خود را از طریق نهادهای دولتی صالح برای حمایت از محیط زیست (مثل سازمان محیط زیست) مطرح کنند، دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی دارد.

یادداشت‌ها

1. United Nation Environmental Program (UNEP).
2. Interstate Commerce Commission (ICC).
3. Washington's Rock Creek Park.
4. National Environmental Policy Act.

۵. کلاسه پرونده ۷۱/۲۱.

۶. بخشنامه شماره ۷۳/۱/۷۲۹/۱۴۹۹۷ مورخ ۶۹/۸/۸.

۷. دادنامه شماره ۶۳/۶۲.

۸. دادنامه شماره ۳۷۷-۶۵ و ۶۰۱-۱۶۸ دادگاه حقوقی یک میاندوآب.

۹. شماره ۱/۷۹/۵۸۷۴ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳.

10. Fadeyeva V.Russia (no.55723/00),9 June 2005.

11. (Environment Canada)V.R.(Northwest Territories Canada)(1993).

منابع و مأخذ

الف) فارسی

* نهج البلاغه

- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، قواعد فقه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ج اول، ج ۱.
- ترنر، آر.ک و دیگران (۱۳۷۴)، اقتصاد محیط زیست، ترجمه سیاوش دهقانیان، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ج اول.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۷)، حقوق محیط زیست در ایران، تهران: انتشارات سمت، ج دوم.
- جم، فرهاد (۱۳۸۷)، «دسترسی به عدالت زیست‌محیطی: کاوشی در نظریه سمت و طرح دعوی منفعت عمومی در ایالات متحده آمریکا»، حقوق اساسی، ش ۹، صص ۸۱-۹۶.
- دادگر، حسن (۱۳۷۹)، «ارزیابی روند توجهات زیست‌محیطی در طول دو برنامه پنج‌ساله کشور»، روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، ش ۲۵ و ۲۴، صص ۲۲۳-۲۴۶.
- دلاوری، محمدرضا (۱۳۹۰)، شرح و تحلیل قانون دیوان عدالت اداری، تهران: انتشارات جنگل، ج اول.
- دینا شیلتون؛ الکساندر کیس (۱۳۸۹)، کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، ترجمه محسن عبداللهی، تهران: خرسندی، ج اول.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۷)، «تأملی بر نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در دعاوی کیفری محیط زیست»، نامه مفید، ش ۶۷، صص ۱۱۰-۹۱.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «پیشگیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۵، صص ۱۹۹-۲۲۴.
- زرگوش، مشتاق (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی دولت، تهران: نشر میزان، ج اول، ج ۱.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۱)، «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش اول، صص ۲۷-۵۸.

- استوار سنگری، کورش (۱۳۹۰)، «مفهوم دولت در آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری»، *مطالعات حقوقی*، ش ۱، صص ۱-۳۳.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۳)، «موارد صدور دستور موقت و عوامل مؤثر در تشخیص آن»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۱۹، صص ۹-۴۸.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۷)، *حقوق اداری تطبیقی*، تهران: انتشارات سمت، چ دوم.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۶)، *حقوق اداری*، تهران: سمت، چ سیزدهم.
- فهیمی، عزیزالله (۱۳۹۱)، *مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و اسناد بین‌المللی)*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول.
- فهیمی، عزیزالله (۱۳۸۸)، *مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، اسناد بین‌المللی و فقه)*، ضمیمه رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق(ع).
- فهیمی، عزیزالله؛ مشهدی، علی (۱۳۸۸)، «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست (از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوقی)»، *فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم*، سال یازدهم، ش ۱، صص ۱۹۵-۲۱۶.
- قاسم‌زاده، سید روح‌الله (۱۳۸۶)، «بررسی ابعاد حقوق محیط زیست با تأکید بر جنبه‌های پیشگیری از آلودگی محیط زیست»، *فصلنامه علامه*، ش ۱۵، صص ۱۰۷-۱۳۴.
- قسمتی تبریزی، علی (۱۳۸۳)، *اصل جبران کامل زیان در مسئولیت مدنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، *وقایع حقوقی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ سیزدهم.
- الکساندرکیس؛ پیتراچ سند؛ وینفرایدلانگ (۱۳۸۴)، *حقوق محیط زیست*، ترجمه محمدحسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران، چ دوم، ج ۱.
- کنت مک کالیون (۱۳۸۳)، «اجرای عدالت درباره محیط زیست بین‌المللی: حقوق و راه‌حل‌ها»، ترجمه محمدحسین زاهدین لباف، *نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران*، ش ۳۱، صص ۱۷۱-۱۸۶.

کاشانی، جواد (۱۳۸۹)، «چگونگی رفع اختلاف بین دستگاه‌های دولتی»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، ش ۳۰، صص ۲۰۵-۲۲۶.

لوتار گوند لینگ، جی. دبلیو. هویسمان، ای.ای. هلیپ، دینا شلتون (۱۳۸۱)، حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲.

مشهدی، علی (۱۳۹۰)، «مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، ش ۲۵، صص ۵۷-۷۳.

موسوی، فضل‌الله؛ قیاسیان، فهیمه (۱۳۹۰)، «جبران خسارات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش اول، صص ۳۲۷-۳۴۶.

موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۷)، حقوق اداری، تهران: نشر میزان، چ دهم.

ب) انگلیسی

Caroline Blatch, (2004), "Environmental liability directive remediation of damage", available at: <http://www.ukela.org/content/doclib/81.pdf>, The date of usage: 15/2/2013.

David Chapman, Nicholas Iadanza, Tony Penn, "Calculating resource compensation: an application of the service-to-service approach to the blackbird mine hazardous waste site", (1998), Available at: <http://www.darrp.noaa.gov/economics/pdf/blackfnl.pdf>, The date of usage: 15/2/2013.

G.M. van den Broek, Environmental liability and nature protection areas, Available at: <http://www.utrechtlawreview.org/index.php/ulr>, The date of usage: 15/2/2013.

European court of human rights, Case of Fadeyeva v. Russia, Available at: <http://www.hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx?i=001-69315>, The date of usage: 07/02/2013)

James Boyd, "Global compensation for oil pollution damages: the innovations of the American oil pollution act", (2004), Available at: <http://www.rff.org/.../global-compensation-for-oil-pollution-damages.aspx>, The date of usage: 15/2/2013.

Larisa Kralji, "State responsibility and the environment", Available at: http://www.lib.ugent.be/fulltxt/.../RUG01-001787295_2012_0001_AC.pdf, the date of usage: 17/5/2013.

Macalister Elliott and partners ltd and the economics for the environment consultancy ltd, "Study on the valuation and restoration of damage to natural resources for the purpose of environmental liability", (2001), Available at: http://www.ec.europa.eu/environment/legal/liability/pdf/biodiversity_main.pdf, The date of usage: 15/2/2013.

Marco Grasso and Stefano Pareglio, "Environmental valuation in European Union policy-making", Available at: <http://www.citeseerx.ist.psu.edu>, The date of usage: 15/2/2013